

گزارش ویژه شماره ۳۴

"نگاهی به دلایل و اهداف ایران، روسیه و چین، برای تشکیل ائتلاف دریایی"



بسمه تعالی

مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام

گزارش ویژه شماره ۳۴

“نگاهی به دلایل و اهداف ایران، روسیه و چین، برای تشکیل ائتلاف دریایی”

محمدرضا محمدی؛ پژوهشگر مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام

مقدمه

روسیه، چین و ایران نخستین رزمایش مشترک دریایی خود را در دریای عمان، در یکی از مهم‌ترین مسیرهای حمل و نقل دریایی جهان با رمز "کمربند امنیت دریایی" انجام دادند. غلامرضا طحانی سخنگوی این رزمایش گفت: «مهم‌ترین دستاورد این مانورها ... این پیام است که جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند منزوی شود.» وی ادامه داد «این تمرینات نشان می‌دهد که روابط ایران، روسیه و چین به سطح جدیدی رسیده است، در حالی که این روند در سال‌های آینده ادامه و گسترش خواهد یافت.» این اقدام بی‌سابقه، بیان‌گر همکاری فزاینده بین دو رقیب جهانی ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران است که تحت تحریم‌های واشنگتن قرار دارد. این رزمایش به مدت چهار روز در منطقه شمال اقیانوس هند و دریای عمان انجام شد؛ اما واقعیت آن است که با وجود اذعان مقامات سیاسی و نظامی سه کشور، رزمایش مشترک ایران، روسیه و چین فراتر از یک مانور تمرینی نظامی تحلیل می‌شود. در شرایط فعلی، به‌خصوص اوج‌گیری تنش‌های روسیه با ایالات متحده، تشدید جنگ تجاری بین آمریکا و چین، همچنین افزایش فشارهای آمریکا بر ایران پس از خروج از توافق هسته‌ای، این مانور نظامی را بیشتر به یک بلوک‌بندی نظامی و سیاسی تبدیل کرده است تا یک تمرین آمادگی نظامی صرف. در واقع می‌توان فشار بر آمریکا را به‌عنوان نقطه مشترک انگیزه‌های سه کشور بیان نمود؛ اما علاوه بر نزدیکی منطقه‌ی برگزاری مانور به

تنگهی حساس هرمز، به نظر می‌رسد سه کشور به استراتژی دریایی ارتش ایالات متحده، مبنی بر افزایش حضور این کشور در اقیانوس هند نیز توجه دارند.

انگیزه‌های کشورهای شرکت کننده در مانور

بدون در نظر داشت اظهارات رسمی و مسایل پشت پرده، اساس ژئوپلیتیک این ائتلاف سه جانبه کاملاً آشکار است: هر سه کشور روابط خصمانه‌ای با ایالات متحده دارند و به‌طور فزاینده‌ای آماده اقدامات امنیتی مشترک برای نشان دادن قابلیت‌های خود هستند.

اما اهمیت استراتژیک منطقه‌ی برگزاری مانور، باید به‌معنای وسیع‌تری درک شود؛ در واقع اهمیت این مانور مشترک را با توجه به موقعیت جغرافیایی و منطقه‌ی اجرای آن باید در دو بعد بررسی کرد، اول گستره‌ی اجرای آن در شمال اقیانوس هند، جایی که هر سه کشور برای پررنگ کردن حضور خود در تلاش هستند و دوم نزدیکی منطقه به تنگهی هرمز و مسیر ترانزیت و شریان عظیم نفت جهانی.

استراتژی دریایی ارتش ایالات متحده که در اکتبر ۲۰۰۷ که در کالج جنگی نیروی دریایی منتشر شد، به صراحت اعلام کرد که نیروی دریایی آمریکا از این پس به‌دنبال حضور پایدار و به‌موقع در اقیانوس هند خواهد بود و این حضور در اقیانوس اطلس کاهش خواهد یافت. این بیانیه با عنوان "چشم‌انداز و استراتژی"، بیان می‌کند که بسیاری از نقاط اقیانوس هند و آب‌های مجاور آن مستعد تبدیل شدن به کانون‌های تنش خواهند بود. بنابراین نباید فراموش کنیم که حضور چین و روسیه در این مانور در وهله‌ی اول می‌تواند متأثر از استراتژی‌های کلان و بلندمدت این کشورها برای حضور در اقیانوس هند و رقابت با ایالات متحده باشد.

در مورد اهمیت اقیانوس هند برای سه کشور به‌خصوص روسیه و چین باید گفت رابرت کاپلان در مقاله‌ای با نام "رقابت در اقیانوس هند: صحنه کانونی قرن ۲۱" که در مجله فارن افیر منتشر شد، به اقیانوس هند همان جایگاهی را بخشید که سر هالفورد مکیندر، یک قرن قبل از او نسبت به آسیای مرکزی قائل بود؛ در واقع اهمیت اقیانوس هند، کاپلان را بر آن داشت تا این ابرمنطقه را هارتلند قرن ۲۱ بنامد. چالش‌های امنیتی متعارف

اقیانوس هند دارای دو جنبه هستند؛ رقابت نظامی میان قدرت‌های بزرگ مانند ایالات متحده، چین، هند، روسیه و ژاپن و تنش‌های منطقه‌ای و رقابت بین چین و کشورهای جنوب آسیا در دریای جنوبی چین که بر محاسبات امنیتی در اقیانوس هند تأثیر به‌سزایی گذاشته است. قدرت‌های خارجی نیز برای اجرای عملیات نظامی بارها از جزایر اقیانوس هند استفاده کرده‌اند: جزیره‌ی "دیگوگارسیا" تنها یکی از این موارد است؛ علاوه بر این، ذات پنهان سرمایه‌گذاری‌های چین در تأسیسات مختلف بنادر در گوادر پاکستان و هامبانتوتا در سریلانکا که به‌طور بالقوه می‌توانند به پایگاه دریایی مانند جیبوتی، که در آن چین رسماً اولین پایگاه خارج از کشور خود را ایجاد کرد، تبدیل شوند.

چندین تهدید نامتعارف نیز وجود دارد؛ تروریسم، دزدی دریایی و سرقت، جرایم سازمان یافته بین‌المللی، قاچاق غیرقانونی (اسلحه، مواد مخدر و حیات وحش)، قاچاق انسان و فعالیت‌های سایبری مخرب از جمله‌ی آن‌ها است. توماس بارنت تحلیل‌گر مسایل دفاعی معتقد است: «ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، روسیه، چین، هند، پاکستان و اسرائیل، همه از قدرت‌های هسته‌ای هستند که در این اقیانوس حضور دارند؛ اقیانوس هند جایی است که رقابت بین ایالات متحده و چین شدت می‌یابد و با رقابت منطقه‌ای بین چین و هند و نیز جنگ آمریکا علیه تروریسم در خاورمیانه و تلاش آمریکا برای محدود کردن ایران، رنگی دیگر پیدا می‌کند. بیشتر حملات نیروهای ایالات متحده در نبردهای عراق و افغانستان از پایگاه‌های این کشور در خلیج فارس و از جزیره دیگوگارسیا، در مرکز اقیانوس هند صورت گرفته است. در عین حال، هر حمله احتمالی آمریکایی‌ها علیه ایران و پس لرزه‌های آن، به‌خصوص در مورد جریان نفت، اقیانوس هند را به‌طور مستقیم متأثر خواهد کرد».

در این راستا اشاره به گزارش مرکز تحقیقات ایالات متحده در دانشگاه سد میدنی با نام "جلوگیری از بحران: استراتژی آمریکا، هزینه‌های نظامی و دفاع در اقیانوس هند و آرام" که نشان می‌دهد آمریکا دیگر قدرت برتر در اقیانوس هند نیست و توانایی این کشور برای حفظ تعادل مطلوب قدرت کاملاً نامطمئن است، هم لازم است.

گفتنی است فرید زکریا نظریه پرداز روابط بین الملل در کتاب مشهور خود جهان پسا آمریکایی می نویسد: «در دوران پس از جنگ سرد و اشغال افغانستان و عراق؛ اقیانوس هند، بزرگ ترین پهنه‌ی مستعد زمین برای آغاز تنش است».

اما در مورد بعد دوم مربوط به نزدیکی منطقه برگزاری مانور به تنگه‌ی هرمز و منطقه‌ی خلیج فارس، جایی که سابقه‌ی فعالیت‌های نظامی زیاد است، می‌باشد. در ماه نوامبر، ایالات متحده عملیات دریایی را در بحرین برای آن چه "محافظت کشتی رانی در خلیج فارس" نامیده شد انجام داد. علاوه بر این، واشنگتن در نظر دارد با شرکت استرالیا، بحرین، عربستان سعودی و انگلیس، ائتلاف بین المللی جهت امنیت دریایی در خلیج فارس را ایجاد و رهبری کند. همچنین در ماه نوامبر، وزیر دفاع فرانسه، فلورانس پارلی قول داد که هیأت اروپایی، نظارت بر امنیت دریای خلیج فارس و دریای عمان را از پایگاه دریایی فرانسه در ابوظبی به عهده خواهد داشت.

پیلای راجا گوپالان پژوهش گر هندی در مقاله‌ای در نشریه‌ی دیپلمات می نویسد: «اگرچه اتحادهای شرکای چهارگانه (آمریکا، ژاپن، استرالیا و هند) یا مدل سه گانه سنتی: ایالات متحده، ژاپن و کره جنوبی در مرکز توجه در منطقه آسیا قرار دارند، قاعدتاً به طور خاص باید یادآوری کرد که طی چند سال اخیر بین چین، روسیه و ایران نیز ائتلاف‌هایی حاصل شده‌اند، که به دلیل سیاست‌های اخیر دولت ترامپ شدت گرفته است و بسیاری از کارشناسان به دلیل افزایش تنش‌ها بین هند و پاکستان و نزدیکی این کشور به چین، پیوستن پاکستان به این ائتلاف را نیز محتمل می‌دانند». اتفاقی که پس از دعوت دریادار خانزادی مبنی بر استقبال از مشارکت اسلام آباد، بحث‌های داغ مطبوعاتی را به دنبال داشت و البته برای هند چندان خوشایند نبود؛ اهداف هر یک از کشورها برای حضور در این رزمایش را می‌توان این گونه تحلیل کرد:

روسیه

در واقع روسیه پس از ایفای نقش فعال در بحران سوریه، به دنبال افزایش نفوذ و حضورش در خاورمیانه براساس یک مدل طولانی مدت است. ماه قبل، سنای آمریکا طرح تحریم شرکت‌های فعال در پروژه‌های نورد استریم ۲ را

تصویب کرد؛ باتوجه به زمان برگزاری رزمایش، می‌توان آن را به‌عنوان پاسخی به افزایش فشارهای آمریکا به این کشور دانست. از طرفی رقابت روسیه و آمریکا در بازار جهانی انرژی روزبه‌روز افزایش می‌یابد؛ یکی از اهداف آمریکا، کاهش سهم صادرات انرژی روسیه در بازار اتحادیه اروپاست و از آن سو روسیه به‌هیچ‌وجه مایل نیست آمریکا بر مسیر ترانزیت و منابع انرژی کنترل داشته باشد.

همچنین نباید فراموش کرد که کرملین همواره به‌دنبال حضور در آب‌های گرم بوده است؛ در این رابطه مک‌فارلند مشاور سابق امنیت ملی کاخ سفید که پیش‌تر این رزمایش را "سناریوی کابوس‌وار" خوانده بود، معتقد است: «کار دیگری که می‌خواهیم انجام دهیم، این است که مطمئن شویم روسیه با ایران متحد نشود. روسیه یک کشور محصور در خشکی است که به بنادر آب‌های گرم دسترسی ندارد؛ اما اگر با ایران مرتبط شود، به آن می‌رسد».

از دیگر انگیزه‌های روسیه برای حضور در این مانور دریایی می‌تواند تلاش برای افزایش همکاری‌ها با جمهوری اسلامی ایران به‌منظور مدیریت دکترین خلاء هدایت شده آمریکا در غرب آسیا و پر کردن جای خالی احتمالی آمریکا پس از کاهش نیروهای خود در خلیج فارس باشد. علاوه بر این روسیه احتمالاً تمایل دارد در سواحل ایران، و در جوار سنتکام، اقدام به تأسیس پایگاه نظامی کند. در این راستا واتکینز نویسنده‌ی اوایل پرایس ماه گذشته در گزارشی از احتمال ایجاد پایگاه نظامی روسیه در بنادر چابهار و بوشهر خبر داد. واتکینز در این گزارش که با عنوان "روسیه چیرگی بر خلیج فارس را به‌دست می‌آورد" نوشته است که با بالاگرفتن تنش‌ها در خلیج فارس، روسیه بر آن است تا از بندرهای بوشهر و چابهار ایران به‌عنوان پایگاه‌های نظامی بهره‌گیرد. این در حالی است که پیش‌تر استفاده هواپیماهای روسی از یک پایگاه هوایی در همدان برای حمله به مقاصد در سوریه به شدت در داخل ایران واکنش برانگیز شد؛ البته نیکولای کوژانوف استاد دانشگاه اروپایی سن‌پترزبورگ معتقد است حضور دائمی روسیه در ایران غیرمنطقی و به‌سختی ممکن است. وی حضور دائمی نظامی روسیه در ایران را غیر ممکن می‌داند. کوژانوف بر مسأله قانون اساسی ایران تأکید کرده و گفته قانون ایران استقرار پایگاه خارجی در ایران را ممنوع کرده است. گفتنی است وزارت خارجه روسیه اعلام کرده است پس از پایان تمرین‌های مشترک، ظریف برای

گفت‌وگو با هم‌تای روسی خود در مورد "توسعه روابط در زمینه‌های تجاری، اقتصادی، بشردوستانه و سایر موارد عملی" به مسکو و پس از آن به پکن سفر می‌کند.

چین

طی دو دهه گذشته، اقتصاد جزو اولویت‌های اصلی چین در روندهای بین‌المللی بوده است؛ تقاضای نفت خام چین بین سال‌های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۵ دو برابر شده و احتمالاً در دهه آتی باز هم دو برابر شود. چین تا اواخر ۲۰۲۰ روزانه ۷/۳ میلیون بشکه نفت خام وارد می‌کند که بیشتر آن از عربستان سعودی خواهد بود. بیش از ۸۵ درصد از نفتی که در سراسر اقیانوس هند و تنگه مالاکا و هرمز جابه‌جا می‌شود متعلق به چین خواهد بود؛ در واقع چین نسبت به تأمین انرژی خود از طریق خشکی از آسیای مرکزی، پاکستان، برمه و آب‌های جایگزین مانند اقیانوس آرام چندان خوش‌بین نیست. اشتباهی سیری‌ناپذیر چین، ژاپن و کره جنوبی برای نفت خلیج فارس، تنگه هرمز را به مسیر شریانی نیمی از جریان جهانی نفت و نزدیک به یک چهارم از کل تجارت جهانی تبدیل کرده است. گذشته از آن، از ویژگی‌های اصلی استراتژی نظامی ارتش چین به نام "رشته‌ای از مروارید" برای اقیانوس هند، ساخت یک بندر بزرگ در گوادر پاکستان به همراه ایجاد یک پایگاه دریایی در دریای عرب (احتمالاً در پاسنی پاکستان) است؛ بنابراین این که چین مانند روسیه در پی ایجاد پایگاه دریایی در سواحل ایران باشد در استراتژی نظامی این کشور تعریف نشده است.

علاوه بر این حضور چین در مانور دریایی مشترک در نزدیکی بندر چابهار، می‌تواند به‌عنوان زنگ خطری برای هند، رقیب اقتصادی و نظامی چین در اقیانوس هند باشد؛ کشوری که طی سال‌های گذشته، سرمایه‌گذاری عظیمی در بندر چابهار ایران کرده است و همواره از جانب ایران به‌عنوان مشتری بالقوه‌ی نفتی شناخته شده است.

چین همچنین در تلاش است تا روابط خود را با ایران در زمانی که این کشور امید چندان به تعامل با غرب ندارد، گسترش دهد؛ البته چین به دنبال فشار بر ایالات متحده در دوره‌ی جنگ تعرفه‌ها نیز است. جنگ تجاری چین و

آمریکا فرصت مناسبی برای صادرات نفت ایران به چین در بازار خاکستری فراهم کرد. پکن خواهان حضور بیشتر در منطقه و ایفای نقش در معادلات منطقه‌ای به‌ویژه امنیت در مسیر ترانزیت انرژی است. گفتنی است دو سال قبل، در خردادماه ۱۳۹۶، ایران و چین رزمایش مشترک یک روزه‌ای در محدوده شرق تنگه هرمز تا دریای عمان برگزار کردند. یادآوری این نکته ضروری است که چین ۲۶ آبان ماه رزمایش مشترکی را با عربستان سعودی در بندر جده در دریای سرخ برگزار کرد، که هدف از آن "مقابله با تروریسم دریایی و دزدی دریایی" عنوان شد. موضوعی که در مورد چین مهم است، همکاری نظامی رو به گسترش این کشور با کشورهای عرب حاشیه‌ی خلیج فارس است. چین طی دو سال گذشته اقدام به انتقال تکنولوژی موشکی به عربستان و همچنین ایجاد خط تولید پهپاد در این کشور نموده است. یکی از دلایل افزایش همکاری چین با عربستان، نگرانی پکن از گسترش حوزه نفوذ ایران در یمن تا خلیج عدن و دریای سرخ است که تاحدودی مقام‌های پکن آن را تهدیدی برای تضمین امنیت راه ابریشم دریایی خود می‌بینند. بنابر همین دغدغه، چین بر خلاف ایران و هم‌راستا با عربستان و امارات متحده، دولت در تبعید یمن را به رسمیت می‌شناسد. افتتاح اولین پایگاه دریایی نظامی برون‌مرزی چین در جیبوتی با همکاری عربستان سعودی محقق شد که نگاه و نیاز مشترک ریاض و پکن را در این کشور کوچک در تنگه باب‌المندب نشان می‌دهد. از آن گذشته، چینی‌ها نسبت به تهدیدات ایران مبنی بر ناامن‌سازی ترانزیت نفتی در تنگه هرمز، با توجه به افزایش احتمالی قیمت انرژی راضی نخواهند بود. چین با حفظ هم‌زمان روابط با ایران و عربستان سعودی، درصدد کاهش تنش بین این دو کشور و همچنین کل منطقه است، موضوعی که به امنیت مسیر ترانزیت انرژی و ثبات در قیمت انرژی منجر می‌شود. نکته‌ای که در مورد چین کمتر به آن پرداخته شده است، این موضوع است که افزایش احتمالی قیمت نفت که از افزایش احتمالی تنش‌ها ناشی شود، به‌هیچ‌وجه برای این کشور مطلوب نخواهد بود. حضور چین در این ائتلاف دریایی را می‌توان با تهدیدات ایران برای بستن تنگه هرمز مرتبط دانست و به‌عنوان عرض اندامی به ایران مبنی بر اهمیت امنیت این تنگه برای چین شناخته شود.

ایران

در خصوص بعد منطقه‌ای، باید گفت خلیج فارس پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای ایران و تحمیل تحریم علیه این کشور، تبدیل به نقطه چشم‌گیر تنش بین واشنگتن و تهران شده است؛ تهران در ماه ژوئن یک پهپاد جاسوسی آمریکا را ساقط کرد و در تلافی اقدام انگلستان در جبل الطارق، در ماه ژوئیه نفت کشی با پرچم انگلیس را به دلیل نقض آب‌های سرزمینی این کشور توقیف کرد. ایران بارها با حضور نیروهای خارجی در خلیج فارس مخالفت کرده و تهدید کرده است که در صورت مسدود شدن فروش نفت خام خود توسط ایالات متحده یا کشورهای منطقه، محموله‌های نفت را برای همه کشورها ناامن خواهد کرد. طی ماه‌های گذشته، ایالات متحده ایران را به حمله به حداقل شش کشتی نفتی در منطقه در ماه‌های مه و ژوئن متهم کرده است، اتهامی که تهران آن را قاطعانه رد کرده است.

گفتنی است ماه گذشته رزمایش مشترک دریایی با شرکت آمریکا، بحرین، عربستان سعودی و امارات متحده عربی به منظور آن چه "حفاظت از صدور نفت از منطقه" خوانده شد، در آب‌های خلیج فارس برگزار شد. این ابتکار عمل پس از آن آغاز می‌شود که یک ائتلاف دریایی به رهبری ایالات متحده، از جمله بحرین، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، در ماه نوامبر عملیات خلیج فارس را برای تضمین تأمین امنیت نفت از منطقه آغاز کرد. انگلیس و استرالیا نیز برای ارسال کشتی‌های جنگی توافق کرده‌اند.

در ماه اوت سال قبل، ایران مانور دریایی در دریای عمان برگزار کرد؛ هدف این مانور نشان دادن قدرت نظامی ایران برای بستن تنگه هرمز ارزیابی شد. این مانور چند ماه پس از خروج آمریکا از برجام و آغاز تحریم آمریکا علیه صادرات نفت ایران انجام شد. با توجه به کاهش تدریجی فروش نفت ایران، این مانور هشدار بود برای مشتریان نفتی و آمریکا؛ اما گذشته از مسایل دفاعی-امنیتی، واقعیت آن است که ایران پس از خروج ایالات متحده از برجام و ناتوانی اروپا در برطرف کردن نگرانی‌های ایران، درصدد افزایش همکاری‌های خود با شرق در همه‌ی زمینه‌ها

است. قرار گرفتن در شبکه کشورهای آسیا/اروپایی (اوراسیا) که دو عضو عمده آن چین و روسیه، از رقبای ایالات متحده هستند، یکی از اهداف ایران خواهد بود. ادغام اقتصادی و سیاسی در اوراسیا بخشی از روند آهسته و بلندمدتی است که مشکلات فوری ایران را حل نمی‌کند، اما به ایران اطمینان می‌دهد که می‌تواند دوره ریاست جمهوری ترامپ را پشت سر گذارند.

روز ۱۱ سپتامبر، چین میزبان محمد باقری، فرمانده نیروهای مسلح ایران بود که از تأسیسات نظامی و دریایی این کشور دیدن کرد. یک هفته بعد، وزارت دارایی آمریکا در اقدامی که به میزان همکاری‌های میان ایران و چین اشاره داشت، پنج شهروند و شش شرکت چینی را متهم به تخطی از تحریم‌های آمریکا در کمک به انتقال نفت ایران کرد. شواهد چندانی در مورد گسترش چشم‌گیر سرمایه‌گذاری‌های چین در ایران وجود ندارد، اما اقدامات واشنگتن علیه ایران، بر اهمیت این کشور برای پکن افزوده است. واقعیت آن است که از نظر اقتصادی، برای چین آسان است که بازارهای دیگری را جایگزین ایران کند، اما از زاویه سیاسی، برای پکن مشکل است که به تحریم‌های آمریکا تسلیم شود.

جمع‌بندی

واقعیت آن است که ابعاد ایدئولوژیک رقابت بر سر قدرت برتر جهان، آرام‌پیش خواهد رفت؛ ایالات متحده در برابر چالش رقابت با محور مسکو-پکن خواهد ایستاد و بر تاکتیک‌های متعدد در زمین‌های مختلف بازی از جمله خاورمیانه، خلیج فارس، اقیانوس هند و آرام را در پیش گرفته است. همچنین توسعه سریع فناوری تسلیحات مختل‌کننده به‌علاوه موارد متداول نقض پیمان‌های کنترل تسلیحاتی، رقابت‌های تسلیحاتی در سطوح بالا را میان ایالات متحده، روسیه و چین تسریع کرده است. از طرف دیگر تحریم‌ها و خصومت واشنگتن نسبت به ایران، و بی‌اعتمادی این کشور نسبت به غرب، تهران را به سمت تقویت روابط با چین و روسیه سوق داده است. پکن و مسکو نیز برای مقابله با نفوذ ایالات متحده موقتاً در یک همکاری استراتژیک قرار دارند، حتی اگر بعید باشد چین



و روسیه باتوجه به جاه طلبی‌های رقابتی خود برای اعمال نفوذ، یک اتحاد پایدار را تشکیل دهند. ایران در تلاش است تا باوجود تحریم اقتصادی، به رهبران ایالات متحده این هشدار را ارسال کند که این کشور از لحاظ نظامی و سیاسی منزوی نشده است. تهران همچنین در تلاش است برای رقابت منطقه‌ای خود در خلیج فارس پیامی مبنی بر قدرت خود ارسال کند. روسیه و چین همچنین رابطه خوبی با مخالفان ایران، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی دارند؛ بنابراین، مسکو و پکن تمام تلاش خود را می‌کنند تا منافع خود را متعادل کرده و از گسترش منازعات جلوگیری نمایند.